

چندی پیش، نامه‌ای از یک معلم (یا مدیر مدرسه) با این مضمون به دفتر مجله رسید:

«... اگر معلم در فرایند یاددهی - یادگیری همواره خود را راهنما، مدیر و رهبر آموزشی بداند و به جای انتقال مستقیم دانش، روش مطالعه و کسب تجربه‌ی یادگیری را به دانش‌آموزان بیاموزد و خودجوشی و خلاقیت آن‌ها را تقویت کند، آنان در برخورد با مسائل زندگی و یافتن راه‌حل مشکلات، توانا تر خواهند بود. ما با توجه به این اصل علمی و عملی تصمیم گرفتیم در مدرسه‌ی کوچک خود در منطقه‌ای عشایری و محروم، مدرسه و کلاس‌ها، رایانه خریدیم، نرم‌افزارهای آموزشی دروس ابتدایی را تهیه کردیم و برخی مواد و وسایل موردنیاز را نیز فراهم ساختیم. در حیاط مدرسه، دو زیستگاه جانوری، گیاهی و باغچه‌ای کوچک درست کردیم. دیوارهای مدرسه را رنگ روغن زدیم و روی آن‌ها تصویرهای آموزشی و بهداشتی کشیدیم، و شعارهای اخلاقی و تربیتی نوشتیم. روزنامه دیواری درست کردیم و دانش‌آموزان را برحسب ذوق و علاقه‌شان به فعالیت واداشتیم. از این طریق، جنب‌وجوش تازه‌ای در مدرسه به وجود آوردیم. به طوری که با مشارکت و هم‌فکری معلمان و دانش‌آموزان، توانستیم فضای فیزیکی مدرسه را جذاب و با نشاط و محیط یادگیری را فعال، مناسب و غنی سازیم. متأسفانه، بازرس محترم منطقه، به هنگام بازدید از مدرسه، این‌گونه فعالیت‌ها را موجب حواس‌پرتی دانش‌آموزان دانستند و با گفتن این جمله: «لطفاً هر چه زودتر آن‌ها را جمع کنید» به کلی معلمان مدرسه را مأیوس کردند...» نویسنده معلمان ارجمند و شریف، تلاش و دل‌سوزی شما برای آموزش و تربیت بهتر کودکان این مرز و بوم، شایسته‌ی تقدیر و احترام است. بدون اغراق، معلمان بصیر و آگاه که به کارایی روش‌های جدید آموزشی پی برده‌اند، در آموزش و پرورش ما کم نیستند. اما از آن‌جا که از نتیجه‌ی نوآوری شما بی‌اطلاع هستیم، نمی‌توانیم قضاوت درستی به عمل بیاوریم. با این حال گاهی دیده می‌شود که برخی از معلمان مبتکر در اجرای روش‌های خلاق و نوآوری‌های آموزشی، با مدیران یا بازرسان مناطق آموزش و پرورش مشکلاتی دارند. این‌گونه مشکلات از بابت تقابل یا مخالفت با روش‌های جدید آموزشی نیست، بلکه مدیران و بازرسان، با توجه به حیطة مسئولیت‌های خود، نسبت به کاربرد برخی نوآوری‌های از آن‌ها، به محوریت اهداف آموزشی و تربیتی لطمه می‌زند و ممکن است به این پیامد بینجامد که دانش‌آموزان به جای درک مطالب و مفاهیم درسی و پردازش آن‌ها در ذهن خود، صرفاً کار کردن با وسایل را هدف تلقی کنند. در این حالت همه‌ی اهداف و زحمات صادقانه‌ی معلمان مبتکر نقش بر آب می‌شود و نتیجه‌ی ظاهراً تلخ‌تر از سخن بازرس به بار می‌آورد. بنابراین، بهتر است معلمان مبتکر نخست با مشارکت همکاران خود، درباره‌ی محاسن و محدودیت‌های روش‌های جدید آموزشی موردنظر، بحث کنند، کارایی آن‌ها را بیازمایند و پس از اطمینان از اثربخش بودن آن‌ها، با حضور مدیر و یا بازرس اداره، کارایی روش خود را نشان دهند و ثابت کنند که نوآوری انتخاب شده، به سبب جذاب، مفید و اثربخش بودن در پیشرفت

# دغدغهی خاطر معلمان مبتکر و نوآور

تحصیلی دانش آموزان، از روش های قدیمی بهتر است. بسا این اقدام، معلمان نه تنها از کارایی روش جدید و خلاق خود مطمئن می شوند و به آن اعتبار می بخشند، بلکه از حمایت و پشتیبانی افراد مسئول بالادست هم برخوردار می شوند و این کاری است که در همه جا مبتکران و نوآوران آموزشی، در عرصه ی تعلیم و تربیت، انجام می دهند. در این جا توجه معلمان، مدیران و کارشناسان پیشگام آموزش و پرورش را که تغییر و تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش دغدغهی خاطر آنهاست و از نارسایی نظام آموزشی موجود رنج می برند؛ به بخشی از مصاحبه ی مهدی نوید، دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش درباره ی لزوم تحول بنیادین آموزش و پرورش و تدوین برنامه ی درسی ملی\* جلب می کنم:

«... در سالهای اخیر، شورای عالی آموزش و پرورش به این نتیجه رسید که استمرار روش های فعلی نظام نیست... امروز عصر تحولات است و انتقال این تحولات و یافته ها به درون کتاب های درسی و محتوای آموزشی کلاس های درس و تربیت دانش آموزان براساس این یافته ها، نیازمند تغییر ساختار و محتوای آموزش و پرورش است که پدیده های اجتناب ناپذیر محسوب می شود و ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست... [کیهان، ۲۶ تیر ۱۳۸۹]»

بنابراین انتظار می رود که به یاری خدا، با عملیاتی کردن برنامه ی درسی ملی و مبنا قرار دادن اصول، راهبردها و سند چشم انداز، به تدریج در بخش هایی از آموزش و پرورش، تحول واقعی و اساسی محقق شود. این نکته را نیز همواره باید به خاطر داشته باشیم که تدوین و تهیه ی برنامه ی درسی ملی، اگرچه گامی بسیار بلند، ارزشمند و کلید تحولات آموزشی است، ولی تحقق اهداف برنامه های درسی و تربیتی در نهایت در کلاس درس و به دست معلمان انجام خواهد شد که حقیقتاً مستلزم کار مضاعف و همت مضاعف است. زیرا ما این گونه برنامه ها را باید در عرصه ی رقابت جهانی انجام دهیم؛ به این امید که سر بلند باشیم و بر قله ی افتخار بنشینیم. پس این واقعیت را باید قبول کنیم که دیگران هم بیکار ننشسته اند و آنها هم برای پیشرفت خود برنامه هایی دارند و هر قدمی که ما برمی داریم، آنها نیز همین کار را انجام می دهند، بنابراین، در چنین حالتی، فاصله و شکاف بین وضع موجود و وضع مطلوب یا رقابتی، هم چنان باقی خواهد ماند.

مدارس هستند که با ابتکار و نوآوری های خود نه تنها فاصله ها را به سرعت از بین می برند، بلکه می کوشند در خط مقدم پیشرفت نیز قرار بگیرند. بنابراین، دغدغه های معلمان مبتکر، خلاق و پیشگام آشکار می شود. زیرا این معلمان و مدیران است و از هم اکنون باید روی معلمان و مدیران خلاق و مبتکر، حساب ویژه ای باز کرد که آنان در فرهنگ سازی و ساختن ملتی فرهیخته سهم به سزایی دارند.

## پی نوشت

\* برنامه ی درسی ملی سندی است که نقشه ی کلان برنامه ی درسی و چارچوب نظام برنامه ریزی درسی کشور را به منظور تحقق اهداف آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی ایران تعیین و تبیین می کند.

## منبع

برنامه ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، طرح جامع تحول بنیادین برنامه های درسی و تربیتی. نگاشت سوم، بهمن ۱۳۸۸.